



A Preliminary Examination of the Role of Pilgrimage in Shia Culture from a Sociological/Anthropological Perspective (Case Study: Women's Pilgrimage)

Akram Garousi^{1✉}, Saeid Tavoosi Masroor²

1. Corresponding Author, Ph.D. Student in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email:

a.garousi91@gmail.com

2. Faculty Member of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: saeed.tavoosi@atu.ac.ir

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 8 January 2023

Accepted: 23 February 2025

Keywords:

Pilgrimage, Pilgrimage Sites, Shia Culture, Women's Pilgrimage, Sociology of Pilgrimage, Anthropology of Pilgrimage, Peter Berger.



ABSTRACT

Pilgrimage is a key mechanism for promoting and reproducing religious and social identity within the Shia community. Therefore, understanding the subcultures of pilgrimage among different ethnic and social groups of pilgrims is of great importance. This research aims to analyze the ritual of pilgrimage using a sociological/anthropological approach, with the help of observational tools, participant observation, interviews, and library resources, to outline a general pattern of the socio-cultural life of pilgrims in Shia Islam. Women's pilgrimage is emphasized in this study. For analysis, concepts defined by Peter Berger, such as religion, the sacred, culture, religious pluralism, etc., are utilized. The findings indicate that in Shia culture, there is no difference between men and women regarding the sanctity and presence of shrines, but there is gender segregation in some pilgrimage sites. Considering the person being visited in pilgrimage as alive, combined with the degenderizing of him or her, as well as the necessity for women to cover more of their bodies during pilgrimage, can be mentioned as constant features in Shia pilgrimage culture. To identify common or changing elements in women's pilgrimage from the past to the present, considering environmental changes, further extensive research is needed.

Cite this article: Garousi, A.; Tavousi Masroor, S. (2024). A Preliminary Examination of the Role of Pilgrimage in Shia Culture from a Sociological/Anthropological Perspective (Case Study: Women's Pilgrimage). *Islamic Social Studies*, 30 (130) , 115_140.



<https://doi.org/10.30513/iss.2025.4961.1274>

© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



بررسی اجمالی و مقدماتی جایگاه امر زیارت در فرهنگ شیعی از منظر جامعه / انسان‌شناسی؛ مطالعه موردی: زیارت زنان

اکرم گروسی^۱ | سعید طاووسی مسرور^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: a.garousi91@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: saced.tavoosi@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	زیارت یکی از مکانیسم‌های کلیدی برای ترویج و بازتولید هویت مذهبی و اجتماعی، جماعت شیعه است. لذا فهم خرده فرهنگ‌های زیارت در میان اقوام و قشرهای اجتماعی زائران، اهمیت فراوانی می‌یابد. این پژوهش تلاش دارد با رویکرد جامعه / انسان‌شناسی و کمک ابزارهای مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه و محوریت منابع کتابخانه‌ای، به واکاوی آیین زیارت در دست‌یابی به الگوی اجمالی از حیات فرهنگی - اجتماعی زائران در مذهب تشیع بپردازد. در این میان، زیارت زنان زائر مورد تأکید قرار گرفته است. در موارد لزوم و برای تحلیل، از تعاریف مفاهیم پیربرگر (جامعه‌شناس دین)، نظیر دین، امر قدسی، فرهنگ، کثرت‌گرایی دینی و... بهره برده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در فرهنگ شیعی تفاوتی در مردان و زنان برای مقدس بودن و داشتن بارگاه نبوده، ولی در عین حال در برخی زیارتگاه‌ها، انحصار جنسیت برای زائران بوده و هست. همچنین حی‌پنداشتن توأم با جنسیت‌زدایی از مزور و لزوم پوشیدگی بیشتر بدن زن در زیارت را می‌توان از شاخصه‌های همیشگی در فرهنگ زیارت شیعی ذکر کرد. در این میان، برای رسیدن به مؤلفه‌های مشترک و یا احیاناً تغییر کرده مؤثر، در زیارت زنان، از گذشته تا به امروز و به نسبت تغییرات رخ داده در روند شرایط محیطی، نیازمند به بررسی و پژوهش‌های متعدد و وسیع‌تر دیگری هستیم.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵	
کلیدواژه‌ها:	
زیارت، زیارتگاه، فرهنگ شیعی، زیارت زنان، جامعه‌شناسی زیارت، انسان‌شناسی زیارت، پیربرگر.	



استناد: گروسی، اکرم؛ طاووسی مسرور، سعید. (۱۴۰۳). بررسی اجمالی و مقدماتی جایگاه امر زیارت در فرهنگ شیعی از منظر جامعه / انسان‌شناسی؛ مطالعه موردی: زیارت زنان. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۰ (۱۳۰)، ۱۱۵-۱۴۰.

<https://doi.org/10.30513/iss.2025.4961.1274>

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



© نویسندگان.

مقدمه

دین به عنوان اعتقاداتی که در امتداد خود دارای مناسک و آیین‌هایی است، به امور قدسی سامان می‌بخشد. مبنا و شاکله دین اسلام و مذهب تشیع نیز، مجموعه‌ای از اعتقادات و مناسکی است که امور قدسی و متصل به ماورا را برای پیروانش تعریف و تبیین می‌کند. یکی از مناسک محوری که از ابتدای شکل‌گیری تشیع، جایگاهی مبنایی در شکل‌دهی مکانیزم رفتاری و کنش‌های اجتماعی پیروان خود داشته، زیارت است. زیارت، مجموعه‌ای از آداب و مناسکی است که ابزاری مهم برای رسیدن به اهداف معنوی و استعلایی مذهب تشیع را فراهم می‌آورد. از این رو در سپهر فرهنگ شیعی، همواره به زیارت و زیارتگاه توجه ویژه شده است. با وجود تعاریف متعدد و متنوع فرهنگ و بدون پرداختن به اختلافات پایان‌ناپذیر نظریه‌پردازان و متفکران درباره مفهوم آن، در بیانی مختصر، فرهنگ مجموعه‌ای از پیشنهادها، گرایش‌ها و رفتارهای مادی و معنوی افراد یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (نوید، ۱۴، ۱۳۷۴ در متقینیک و زارعی، ۷۱، ۱۳۹۶). در این میان، زیارتگاه‌ها به عنوان یکی از فعالیت‌های اجتماعی یک قوم یا ملتی به شمار می‌روند که در طول تاریخ به عنوان مولد و منبع پویای استمرار یک فرهنگ، برای جامعه عمل کرده‌اند. لذا تداوم زیارت در ازای تاریخ و قبول عام آن در فرهنگ‌های گوناگون، بیانگر قدرت تحول‌ماندگار این عمل اجتماعی است (ریترز، ۱۴۵۷، ص ۱۳۹۵). چنانچه در زیارت، تعاملی بین انسان‌ها برقرار است که به مثابه بستر ارتباطات بین فرهنگی صورت می‌پذیرد (مرتضوی امامی زواره و یوسفی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵). همان‌طور که گفته شد، در بیانی مختصر، دین، کیهانی شدن در حیاتی قدسی است. در واقع، دین به عنوان امری قدسی، در ابتدا در ساحت ذهنی و با اعتقاد و باورها درونی‌سازی می‌شود و در مرحله بعد، با انواع مناسک و آیین‌ها، کیهانی‌سازی یا درک عملی از ارتباط با دنیای اطراف را، برای فرد به صورت عینی و ملموس ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، امر قدسی دین، در ایده‌ای برای سامان و شکل دادن باورها برای پیروانش، جهانی را تعریف می‌کند که ورای معانی و فعالیت بشری است؛ واقعیتی غایی و نهایی برای زندگی بشر که مناسبات و ساختارهای گذرا و فانی این دنیایی به آن ختم می‌شود. این واقعیت غایی دارای

ویژگی منحصر به فرد بودن است. واقعیتی خاص یا همان امری قدسی و فراتر از قوانین و الگوهای جهان اجتماعی این دنیایی. زیارت نیز به مثابه یک واقعیت اجتماعی، همواره برای جماعت پیروانش مطرح بوده است. واقعیتی اجتماعی که همگام با ساخت، فرهنگ اجتماعی خود را نیز بازتولید کرده است. این گونه است که سنت زیارت و زیارتگاه‌ها همواره یکی از مهم‌ترین منابع مولد و تداوم فرهنگ و باورهای مذهب تشیع محسوب می‌شوند که در طول تاریخ، هیچ‌گاه به محاق نرفته و کم‌رنگ نشده‌اند. از سویی، فرهنگ زیارت در ارتباطی تنگاتنگ با زمان‌های مقدس شکل گرفته است. اگرچه زیارت در جامعه شیعی در همه ايام سال ممکن بوده، ولی بیشتر در مواقع ولادت یا وفات و شهادت معصومین (ع) و مناسبت‌های مرتبط با ایشان صورت می‌گرفته است. گویی در این زمان‌ها، تلفیق زمان و مکان مقدس، اوج احساسات معنوی و روحانی را در افراد ایجاد می‌کند. لذا گستره آداب و رسوم تشکیل‌دهنده زیارت در زیارتگاه‌ها، در این ايام به اوج خود می‌رسد. همچنین ما در زیارتگاه‌ها با مجموعه‌ای از افراد با فرهنگ‌های متفاوت مواجهیم که با هم به کنش متقابل پرداخته و رابطه اجتماعی برقرار می‌کنند. مجموعه‌ای از افراد که علی‌رغم تفاوت‌های فردی، با هدفی مشترک و عمدتاً معنوی گرد هم جمع شده‌اند. این گردهمایی باعث ایجاد الگوهای رفتاری تحت عنوان فرهنگ زیارت می‌شود. فرهنگی که ممکن است با داشتن وجوه مشترک، به تناسب مکانی که زیارتگاه‌ها در آن قرار گرفته است و برای اقوام و جنسیت‌های مختلف و با ویژگی‌های خاصشان، دارای گزاره‌های متفاوتی باشد. این پژوهش تلاش دارد از منظر جامعه/ انسان‌شناسی، آیین زیارت زائر شیعی (به طور موردی زیارت زنان زائر) را واکاوی اجمالی کرده و با بیان شاخصه‌های یافت‌شده، آن‌ها را بررسی دقیق کند. بدیهی است که موضوع (جایگاه زیارت و زیارتگاه در فرهنگ شیعی از منظر انسان‌شناسی و جامعه‌شناختی)، امری وسیع و گسترده بوده که از زوایا و مؤلفه‌های مختلف و متعددی قابل بحث و بررسی می‌باشد. این مقاله به‌سان پژوهشی مقدماتی، سعی در ارائه و شرح برخی از این زوایا و مؤلفه‌ها را دارد. لذا واضح و مبرهن است که جهت رسیدن به یافته‌ها و نتایج دقیق‌تر و غنی‌تر در ذیل این موضوع، نیازمند تأملات نظری و علمی در کنار تحقیق‌های میدانی موردی و مصداقی بیشتر و مبسوط‌تر در ادامه مسیرهای پژوهشی هستیم.

۱. پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت زیارت در فرهنگ شیعه، بررسی این سنت، در علوم الهیات شیعی همواره جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. لذا پژوهش‌های قابل توجهی در این موضوع با رویکرد قرآنی، روایی، کلامی، فقهی و... و در چارچوب نگاه درون دینی صورت گرفته است. ولی به نظر می‌رسد، هنوز بررسی فرهنگ زیارت شیعی از منظر مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی اندک و در آغاز راه محسوب می‌شود و در این ساحت به صورت جدی به آن پرداخته نشده است. منظور از فرهنگ زیارت شیعی در اینجا، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های روند شکل‌گیری و مکانیزم اثرگذاری این مقوله از ابعاد مختلف در جماعت شیعی در بین اقوام و ملل مختلف و با آداب و رسوم متفاوت است و نه صرفاً به‌عنوان یک مناسک و آیین قدسی در بین گروهی خاص. چنانچه با رویکرد دوم و خصوصاً در سالیان اخیر، پژوهش‌های متعددی در مقوله تأملات جامعه‌شناختی (خصوصاً مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، مطالعه‌موردی و...) در زمینه زیارت در زیارتگاه‌ها (خصوصاً بارگاه امام رضا(ع)) و مناسبت‌های مختلف (خصوصاً پیاده‌روی اربعین)، صورت گرفته است. در این میان و با محوریت رویکرد اول، می‌توان از پژوهش‌های پیش‌رو یاد کرد. مقاله زیارت در دانشنامه جهان اسلام (قسمت سوم: ابعاد فرهنگی-اجتماعی)، که توسط پیمان اسحاقی (۱۳۹۵) به نگارش درآمده و در آن ابعاد اجتماعی و فرهنگی زیارت توصیف و مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین ایشان (۱۳۹۵) در مقاله زیارت در کتاب فرهنگ سوگ شیعی، سویه‌های اجتماعی و فرهنگی امر زیارت را در ابعادی متفاوت‌تر و گسترده‌تر، یادآور شده‌اند. مقاله زیارت در دانشنامه جهانی شدن که با سرپرستی جرج ریتزر (۱۳۹۵) به نگارش درآمده و توسط مترجمان و زیر نظر نورالله مرادی و محبوبه مهاجر ترجمه شده نیز، سعی در بررسی مقوله زیارت و زیارتگاه در فرهنگ ادیان مختلف کرده است (البته در آن اشاره مستقیمی به بحث این سنت در مذهب تشیع صورت نگرفته است). رسول عربخانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان (زیارت عراق، پدیده‌ای فرهنگی با ابعاد سیاسی، برشی از مناسبات سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار) به بررسی رویدادهای اجتماعی زیارت در این دوران، پرداخته است. در این میان رفتارهای خشن و تعصبات مذهبی عمال عثمانی در کنار عدم رضایت ضوابط قانونی

توسط ایرانیان و بی‌اعتنایی به مقررات عثمانی، اختلافاتی ایجاد کرده و در نتیجه تأثیرگذار در مناسبات سیاسی بین دولت‌ها به شمار می‌رفته است. همچنین عسکری خانقاه و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان (بررسی و تحلیل فرهنگ زیارت از نظر مردم‌شناسی (مورد مطالعه: زائران حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)) مکانیزم شکل‌گیری آداب زیارت زائران از زوایای مختلف در این زیارتگاه را مورد بررسی قرار داده است. هادی غیائی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان (ابعاد تمدنی نهاد زیارت در فرهنگ شیعی)، به شاخصه‌های تمدن‌سازی این نهاد در جماعت شیعی پرداخته است. علیرضا قبادی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی تحت عنوان (تفسیر اجتماعی فرهنگی امر زیارت در امامزاده‌های شهر تهران)، با بررسی چند امامزاده محوری در تهران، سعی در ارائه مؤلفه‌های تأثیرگذاری ابعاد اجتماعی و فرهنگی زیارت کرده‌اند. در همین راستا، پژوهش پیش رو تلاش دارد تا با توصیف و تبیین برخی مؤلفه‌های مؤثر در امر زیارت (با تأکید بر زیارت زنان)، قدمی هر چند کوتاه در راستای آشنایی و شناخت برخی از مؤلفه‌های جامعه / انسان‌شناسی این آیین مهم و محوری در فرهنگ شیعی بردارد.

۲. چارچوب نظری

پیتر برگر (۱۹۲۹-۲۰۱۷م)، از معدود جامعه‌شناسان بنامی است که به صراحت خود را مسیحی پروتستان می‌داند و از امکان داشتن ایمان در عصر مدرن دفاع می‌کند (برگر، ۱۹۶۹، ص ۶؛ در مرشدی، ۱۳۹۷، ص ۷). این جامعه‌شناس، در یک تقسیم‌بندی کلی امر قدسی را مقابل امر دنیایی که فقدان حالت قدسی است قرار می‌دهد. امور قدسی در برابر امور دنیایی، ویژگی خارق‌العاده بودن برای خود را حفظ می‌کنند. ویژگی که به طریق انواع مناسک تکرار و تأیید می‌شود (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۸). همچنین برگر، فرهنگ را شامل تمامیت فراورده‌های انسانی می‌داند. برخی از این فراورده‌ها مادی و برخی غیرمادی‌اند ... جامعه چیزی جز پاره‌ای از فرهنگ غیر مادی نیست. جامعه بُعدی از فرهنگ غیرمادی است که روابط جاری انسان با اطرافیانش را ساختارمند می‌کند (برگر، ۱۳۹۷، ص ۳۹). بدین ترتیب، تمامی ساختارها و الگوهای رفتاری موجود در جامعه، جزئی از فرهنگ هستند. در کنار ساختارها و الگوهای رفتاری اشخاص، یک جامعه از مجموعه

نهادهایی برای رفع نیازهای افراد تشکیل شده که هر یک، سازنده جزیی از فرهنگ آن جامعه هستند. نهاد دین، یکی از این مجموعه‌ها است که تقریباً در تمامی جوامع و در طول تاریخ بشریت وجود داشته و این امر نشان دهنده اهمیت و جایگاه این نهاد برای بشر می‌باشد. در یک قسم از تقسیم‌بندی، دین مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهای درونی و ذهنی در کنار رفتارها و کنش‌هایی که به مرحله عمل و عینیت می‌رسند است. برگر معتقد است، این مجموعه عینی در نهایت جهان دینی افراد را از طریق فرایندهای اجتماعی قابل دسترس تجربی بر ساخته و حفظ می‌کند (برگر، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴). وی اجرای مناسک را در ارتباط نزدیک با تکرار الگوهای مقدسی می‌داند که بار دیگر نام‌ها و کارهای خدایان را حاضر می‌سازد (برگر، ۱۳۹۷، ص ۸۱). همچنین این جامعه‌شناس، در یک تقسیم‌بندی کلی، امر قدسی را مقابل امر دنیایی که فقدان حالت قدسی است قرار می‌دهد. در واقع، هر چیزی که به صورت امر قدسی تجلی نیابد، امر دنیایی محسوب می‌شود. در عین حال امور قدسی، ویژگی خارق‌العاده بودن را برای خود، حفظ می‌کند. ویژگی که به طریق انواع مناسک، تکرار و تأیید می‌شود (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۸). با توجه به مفاهیم فوق، زیارت به‌عنوان یکی از مناسک محوری در مذهب تشیع، بستری برای تجربه حیات دینی مؤمنان است و در عین حال موقعیت فرهنگی-اجتماعی زائران در اعصار مختلف را نیز بازنمایی می‌کند. لذا با واکاوی زوایای مختلف زیارت، از جمله مجموعه رفتار و کنش‌های زائران، می‌توان چگونگی شکل‌گیری این بازنمایی فرهنگی-اجتماعی در مجموعه مناسک و آیین‌های شیعی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بر همین اساس در پژوهش پیش رو تلاش شده تا در ارائه تبیین و تحلیل یافته‌های میدانی، از مفاهیم نظری برگر، همچون امر قدسی، آگاهی و چگونگی شکل‌گیری آن در دنیای مدرن، کثرت‌گرایی و... بهره لازم برده شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش کیفی و با رویکرد مردم‌نگاری صورت گرفته است. مردم‌نگاری علم و هنر توصیف یک گروه انسانی (اعم از نهادهای آن، رفتارهای میان فردی، محصولات مادی و عقاید آن گروه) است (انگروزیو، ۱۳۹۶، ص ۴۶)، مردم‌نگاران در نوشتار خود ساختار

معرفت فرهنگی را محور قرار می‌دهند (اسپردلی و کوردی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۵). نکته حائز اهمیت در اینجا آن است که رویکردهای انسان شناختی، دین را نه به عنوان امر الهی - آنگونه که در الهیات و کلام بدان پرداخته می‌شود - بلکه به عنوان یک امر اجتماعی و فرهنگی در نظر می‌گیرند و به دنبال بررسی دین آن گونه که در تجربه فرهنگی و اجتماعی مردم ظهور پیدا کرده است، هستند. این دین زیسته شده و دین فرهنگی، می‌تواند گاه در راستای اصول اولیه دین باشد و گاه تغییراتی نسبت به آن پیدا کرده باشد و تحقیقات مردم‌شناختی می‌تواند به آن‌ها در فهم دلالت‌های اجتماعی اشکال مختلف دین‌داری کمک کند (رحمانی، ۱۳۹۳، ۲۴). لذا در مردم‌نگاری هدف خلق اصول علمی نیست، بلکه هدف اصلی بازنمایی کامل جهان اجتماعی است (بهرام‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱). البته توجه به این نکته لازم است که این بازنمایی نه در چارچوب صرف انگاره‌های پوزیتیویستی یک شکل، بلکه با توجه به زمین‌مندی تفاسیری که در فضای اتمسفر و نگرش‌هایی که در فرهنگ شیعی و به تناسب شاخصه‌های آن، شکل می‌گیرد، صورت‌بندی می‌شود. ما هم در این پژوهش و با کمک ابزار مشاهده (در فهم و برداشت از منظر اتیک و برون‌نگرانه)، مشاهده مشارکتی (در دریافت نگرش‌های امیک و همدلانه با زائران)، مصاحبه، یادداشت‌برداری میدانی و با محوریت استفاده از اسناد کتابخانه‌ای (هر جایی که نیاز به رجوع به اسناد و مدارک علمی و تاریخی وجود داشت)، تلاش کردیم، داده‌های لازم را جمع‌آوری کرده و با بررسی و تحلیل آنها، الگویی مردم‌شناسانه / جامعه‌شناسانه از فرایند شکل‌گیری حیات فرهنگی-اجتماعی زیارت، برای زائران را ارائه دهیم. در این میان تأکید و مطالعه موردی بر روی زائران زن و زیارت زنان بوده است. در همین راستا و در کنار بررسی‌های اسنادی، در حدود یک سال و به صورت منقطع و در مناسبت‌های مختلف در زیارتگاه حضرت عبدالعظیم(ع)، به عنوان یک نمونه از زیارتگاه‌های پررجوع معاصر، حاضر شده و ضمن مشاهده و همراهی با زنان زائران در انجام آداب و اعمال، با تعدادی (یازده نفر) مصاحبه باز و مفصل و از برخی (حدود ۳۰ نفر) پرسش‌های موردی در رابطه با رفتار و کنشی خاص که در مراحل زیارت از ایشان مشاهده شد، صورت گرفته است. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند بوده و در این میان، همواره سعی بر آن بوده که مشاهدات، مصاحبه و پرسش‌ها از زنانی در زیارتگاه صورت گیرد که به لحاظ

متغیرهایی چون سن، میزان تحصیلات، تنوع پوشش و ظاهر، میزان و چگونگی مشارکت در انجام اعمال و آداب در مراحل زیارت، شاخص نمونه‌ای از کل زائران زیارتگاه‌ها را دارا باشند، تا جایی که تا حد قابل توجهی، مفاهیم جدیدی در سخنان نمونه‌های جدید دیده نشد. لذا در کنار محتوای منابع دیگر، که در این مقاله استفاده شده، می‌توان ادعا کرد که به اشباع داده‌ای، متناسب با هدف این پژوهش رسیده‌ایم.

۴. یافته‌ها

۴-۱. زیارت و زیارتگاه در سپهر فرهنگ شیعی

در معنای اصطلاحی، زیارت دیدار کردن و ملاقات و به دیدار کسی یا جایی یا حرم مقدس رفتن است. به بیانی دیگر اگر به اثرگذاری متقابل ابعاد فردی و اجتماعی زیارت در فرهنگ شیعی توجه شود، زیارت مجموعه‌ای از معانی، دانش‌ها و تلویحات دستورهایی است که اندیشه و عمل زائر را در زندگی اجتماعی در راستای هدف متعالی تنظیم می‌کند (غیائی، ۱۳۹۷، ص ۹۷). به تناسب تعریف ما از زیارت، زیارتگاه نیز تعریف می‌شود. مدفن هر یک از پیامبران، امامزادگان، شهدا، انسان‌های با ایمان و اولیای الهی را زیارتگاه می‌گویند. که به آن‌ها حرم، امام‌زاده، امام‌باره و آستانه هم گفته می‌شود (محدثی، ۱۳۹۰، ص ۴۳). دال برتر زیارت در فرهنگ شیعی را می‌توان، اعتقاد به وجوه قدسی و الهی و دارای قدرتی برتر برای مزور (شخص و یا شیء مورد زیارت) دانست. برای توضیح این مطلب باید خوانشی مختصر از مبنای تاریخی و باورهای اعتقادی شکل‌گیری مذهب شیعه داشت. دین اسلام به پیامبری حضرت محمد(ص) و کتاب مقدس قرآن، در مکه و مدینه شکل گرفت و آغاز شد. در ادامه و بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص)، بنابر اختلافات پیش آمده بر سر جانشینی ایشان، جماعت مسلمان به دو دسته کلی تقسیم شدند. گروهی که حضرت علی(ع) را به‌عنوان جانشین حقیقی و بلاواسطه پیامبر و عاری از هر گونه گناه و اشتباه، همچون پیامبر می‌دانستند، بعد از مدتی در تاریخ، به شیعیان معروف شده و گروهی که در این موارد هم عقیده با شیعیان نبودند، اهل تسنن خوانده شدند (علاق‌مندان، جهت مطالعه بیشتر می‌توانند به کتب کلامی متعدد که در طول تاریخ و توسط عالمان مختلفی، از جمله: میرحامد حسین، امینی، شرف‌الدین عاملی، طباطبایی، سبحانی و... به

نگارش درآمده رجوع کنند.) هر یک از این دو گروه نیز، در درویشان، به شعب و فرقه‌های متعددی تقسیم شدند. این دو جریان اصلی و فرقه‌های منشعب شده از آنها، در امتداد برخی اختلافاتی که در عقاید و باورها داشتند، در قبول احکام عملی و به جا آوردن برخی مناسک دینی نیز با یکدیگر تمایزاتی یافتند. یکی از این اختلافات، باور به امر زیارت قبور پیامبران، امامان و وابستگان ایشان که برای جماعت شیعه به عنوان افراد مقدس شناخته می‌شوند، است. البته این مخالفت در ساختن بارگاه برای این افراد و انجام سنت زیارت، فقط توسط برخی فرق اهل تسنن، مذموم و باطل است و غالب گروه‌های اهل تسنن با شیعه در رجحان داشتن و ممدوح بودن آیین زیارت هم عقیده هستند (عرب‌تیموری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۶؛ اصغری‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱). به هر تقدیر، زیارت و به تبع آن داشتن زیارتگاه برای جماعت شیعی، با تأسی به نقل‌هایی که از منش پیامبر و امامان که در زمان حیات به امر زیارت قبور می‌پرداختند و روایاتی از ایشان که در باب اهمیت زیارت افراد مقدس وارد شده، به امری محوری مبدل گردید. بر همین مبنا، می‌توان ادعا کرد فرهنگ زیارت، پازل مهم و قابل توجهی از صفحه فرهنگ شیعی را شکل داده و می‌دهد. در اینجا رابطه‌ای دو سویه و دیالکتیک را می‌توان دید. با وجود اعتقادات دینی، مناسک زیارت صورت گرفته و در عین حال، اعتقادی بازتولید می‌شود که آیین زیارت را استمرار می‌بخشد. در همین راستا زیارت، در کنار تجربه حیات قدسی و ماورایی، بر معنادهی و التیام‌بخشی در برابر گم‌گشتگی و رنج‌های زندگی، مؤثر واقع شده و در عین حال محوریت وجود امامان و پیشوایان قدسی را امتداد می‌بخشد. البته میزان و چگونگی شکل‌گیری این باورها، در همه مؤمنان و زائران یکسان نیست، ولی قطعاً از کارکردهای محوری مناسک زیارت در فرهنگ شیعی، ایجاد مراتبی هرچند متفاوت از این تجربه و حیات دینی، در ارتباط با امر قدسی در زائران است.

۴-۲. فرهنگ‌های متفاوت زیارت شیعی در بستر تفاوت‌های فرهنگی اقوام و ملل

گوناگون

اگرچه مبنای مشروعیت زیارت، بر اساس آموزه‌های رسیده از منابع دینی تشیع (قرآن و سیره امامان و متشرعین) سرچشمه می‌گیرد ولی فرم مناسک و آیین‌های آن (به خصوص

آیین‌های ثانویه در مقابل آیین‌های اولیه که شکل و صورت آن با چارچوب خاص و مشخص در متن دستورات دینی نیامده است)، در طی تاریخ و در نتیجه درهم تنیدگی با زمینه‌های فرهنگی و رسوم عرفی اقوام، شکل گرفته و انجام می‌شوند. همچنین، نوع نظام حاکم در هر عصر و زمان نه تنها در فرم‌دهی برخی آداب زیارت مؤثر واقع می‌شود، بلکه در روح کلی فرهنگ حاکم بر آن نیز تأثیر مستقیم دارد. توصیف شرایط و وضعیت حاکم بر جوامع شیعی کنونی، از گذشته تا به امروز، قطعاً بسیار فراتر از این نوشته است و به نوشته‌های متعدد و فراوان، نیاز دارد. خصوصاً آنکه در زمانه حاضر، پیروان مذهب تشیع در جای جای دنیا پراکنده شده و در میان ملت و اقوام مختلف زندگی می‌کنند. در کشورهای خاورمیانه که از اکثریت جمعیت شیعی بالاتری برخوردار هستند و قبور امامان شیعی در آن‌ها واقع شده است، از مناسک زیارتی فربه‌تری نیز برخوردار هستند. هر جایی که جمعیت قابل توجهی از شیعیان در آن وجود داشته، توانایی بیشتری در ایجاد فضاهای لازم برای انجام مناسک را داشته است. یکی از این فضا سازی‌ها، ایجاد نمادهایی از بارگاه‌های امامان در میان جماعت شیعی می‌باشد. بر همین اساس، در کشورهای چون هند (از جمله زیارتگاه‌های حسین تکری و...)، افغانستان (مزار شریف و...)، پاکستان (زیارتگاه امام‌باری و...) و...، بارگاه‌هایی از اولیا و یا زیارتگاه‌هایی نمادین و جایگزین برای امامان شیعی می‌توان یافت. یکی از عمده‌ترین دلایل برای داشتن نمادهایی از زیارتگاه امامان و یا نشانه‌ای از آن‌ها که به‌عنوان شیء مقدس مورد زیارت قرار دهند، فاصله داشتن این جماعت‌های شیعی از عتبات عالیات و قبور ایشان است. لذا صورت‌بندی تشیع را از سویی می‌توان در قالب مرزها به‌مثابه تعیین‌کننده نسبت اجتماعات شیعی با سرزمین‌های مقدس و میزان دسترسی به آن‌ها در نظر گرفت. چنانچه در هر اجتماع مذهبی، جغرافیای مقدس دور یا نزدیک و مرزهای باز و بسته که امکان دسترسی یا نبود امکان آن را به آن جغرافیای مقدس فراهم می‌کنند، اهمیت کلیدی در صورت‌بندی فرهنگی آن مذهب دارند (رحمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۳). اما در کنار این دلیل مشترک، معماری و چگونگی بنای فیزیکی و نماسازی زیارتگاه، نوع آداب و رسوم در چگونگی انجام زیارت در هر زیارتگاه و...، وابستگی کاملی به عرف، رسوم و باورهای تاریخی این اقوام و جغرافیای محل زندگی آن‌ها دارد. به‌عنوان مثال در هند بارگاه‌های

شیعی متعددی وجود دارد، که با الگوگیری از کربلا، نجف، کاظمین، مسجد کوفه، مشهد و... و در زمان ساخت دقیقاً و عیناً مطابق با اصلشان ساخته شده‌اند. این موضوع برخاسته از زمینه و سنت دینی-فرهنگی هندویی است. در هندوئیسم، امر قدسی منحصر به یک مکان نیست و مکان خاص و مشخصی در آن اصالت ندارد. در معبد هندویی، مرکزی به مفهومی که ما برای مکان قدسی مثل کعبه یا کربلا، نجف و مدینه قائل هستیم، وجود ندارد. لذا امر قدسی که امری متکثر و متجلی در صورت‌ها، فرم‌ها و مکان‌های متعددی دانسته می‌شود، می‌تواند در هر معبدی تجلی یابد، لذا هر معبدی برای خود یک مرکز کیهان‌شناختی برای تجلی آن امر قدسی است و سلسله‌مراتب خاصی میان معابد نیست... پس نکته مهم در تفکر هندویی تکثرپذیری و در نتیجه امکان ساخت مراکز متعدد برای تجلی یک امر قدسی است... اما در تشیع خاورمیانه‌ای، امر قدسی در مقابر و روضه‌های ائمه(ع) مبتنی بر نوعی اصالت‌مندی خاص است، یعنی یک امر اصیل (بدن اولیای خدا) در آنجا دفن است و این مسئله تکثرپذیر نیست. لذا هیچ وقت، مشابه کربلا و کاظمین و... در ایران ساخته نشد. اما در تشیع هندی با آن پیش‌زمینه هندویی، امکان این ابداع وجود داشت. هرچند در عمل، این المثلها تماماً ریشه خاورمیانه‌ای خود در باب مزار اولیا را از دست نداده‌اند، لذا همیشه یک نشانه از مرکز اصلی (تربت یا چیز دیگر) در آن‌ها، به طور واقعی یا افسانه‌ای هست. لذا این المثلها از طریق ساختارهای اسطوره‌شناختی هندویی که وارد گفتمان‌های اسطوره‌شناختی شیعی شده، امکان رخداد داشته و دارند. لذا در برخی شهرهای هند، چندین کربلا، نجف، کاظمین، مشهد و... هست که بعضی از آن‌ها دقیقاً و عیناً مطابق با اصلشان و با همان مقیاس و شکل ساخته شده‌اند (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵-۱۶۷). همچنین با بررسی مکان‌های زیارتی شیعی دیگر در مکان‌های مختلفی چون کشورهای شرقی آسیا، شمال آفریقا، آسیای مرکزی و شرق اروپا با تنوع الگوهای رفتاری در شکل و فرم زیارت و زیارتگاه مواجه می‌شویم. این تفاوت‌های فرم و الگوهای زیارتی در میان شهرها و نواحی مختلف یک کشور نیز به‌خوبی قابل مشاهده است. لذا فرهنگ زیارتی که در مناطق جنوبی ایران دیده می‌شود، تفاوت مشهودی با زیارتگاه‌های شمالی کشور دارند و همین‌طور زیارتگاه‌های مناطق لرنشین با مناطق فارس‌نشین و... .

۴-۳. زیارت و زیارتگاه در جماعت شیعی ایرانی

بر اساس آمارهای موجود از مجموع نزدیک به ۹ هزار مکان مذهبی در نقاط مختلف کشور، ۵ هزار و ۸۰۰ بقعه متبرکه به عنوان آرامگاه‌های امامزادگان ثبت شده، هزار و ۲۰۰ بقعه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و بیش از سه هزار مکان مذهبی مقدس ثبت شده شامل حسینیه‌ها، مساجد، مدارس مذهبی و حوزه علمیه، کلیسا، کنیسه، آتشگاه و نیایشگاه شناسایی شده است (سلطان‌مرادی، ۱۳۹۰، ص ۱۴ در آقاجانی و فراهانی‌فرد، ۱۳۹۴، ص ۴۵) که نشان از فراوانی و جایگاه محوری اماکن مذهبی و در معنای خاص آن زیارتگاه‌ها در جامعه ایرانی دارد. در سراسر ایران می‌توان نقش زیارتگاه‌ها را در زندگی مردم دید. واژه زیارت اگرچه به معنی مطلق دیدار است، اما در میان مردمان و در معنای اصطلاحی، واژه زیارت از گونه‌ای تقدس برخوردار است. با اینکه بسیاری از مکان‌هایی که جنبه زیارت دارند، مزار پاکان، نیکان و بزرگان‌اند، اما کم نیستند زیارتگاه‌هایی که نه تربت کسی است و نه کسانی در آن جا به خاک خفته‌اند، اما مردمی به آن‌ها باور دارند. مانند: قدمگاه‌ها، چشمه‌های شفابخش، کوه‌های مقدس، سقاخانه‌ها، چاه‌ها، درختان پناه‌دهنده، غارها ... و مکان‌هایی که به باور مردم، بزرگانی در آنجا از چشم مردم غایب شده‌اند (وزیری، ۱۳۹۴، ص ۸). به هر تقدیر، در بین جماعت شیعه و مسلمان ایرانی، مقدس دانستن شهرها و مکان‌هایی که اولیا و امامزادگان از بیم آزار دشمنان، به آنجا پناه آورده و در همانجا از دنیا رفته و به خاک سپرده شده‌اند، وجود داشته و با همین عبارت مقدس شناخته می‌شده‌اند. چنانچه ژان شاردن^۱ (۱۷۱۳-۱۶۴۳م)، سیاح فرانسوی عصر صفوی در کتاب خود آورده است: ایرانیان بر این باورند که در دو قرن اول هجری بسیاری از امامزادگان از بیم آنکه به دست دشمنان کشته شوند یا شکنجه گردند به دو شهر قم و کاشان پناه آورده‌اند، از این‌رو این دو شهر را مقدس می‌شمارند ... مشهد نیز شهری مذهبی است و چون قبر امام رضا(ع) در آنجاست، آن شهر را مقدس می‌نامند. شیعیان به این امام بیش از دیگر امامان حرمت می‌نهند. نامش را همیشه در دل و بر زبان دارند، و بر این باورند هر آن‌کس در کنار مرقدهش که زیارتگاه مردمان است به خاک سپرده شود

1. Jean Chardin

آمرزیده می‌گردد. افزون بر این، عامه بر این اعتقادند که هر کس در جوار یکی از ائمه اهل عصمت دفن شود، روز شمار در پناه اوست (شاردن، ۱۳۷۲، ص ۴۵). با توضیحاتی که گذشت، زیارت، یکی از مناسک همیشگی و زیارتگاه از المان‌های شاخص یک مکان مقدس در بسیاری از شهرها و دیارهای ایران از بعد از اسلام بوده است. از همین رو، زیارت و زیارتگاه در شکل‌گیری حیات جمعی و نظم‌بخشی به زندگی و هویت جامعه شیعی ایران اثرات بسزایی داشته است. این تعاملات فرهنگی در بسیاری از مناسبات اقتصادی، اجتماعی، گردشگری و بهداشتی که با محوریت زیارتگاه‌ها، شکل گرفته، به خوبی خود را نمایان و آشکار کرده است. نقش داشتن زیارتگاه در مناسبات سیاسی در طول تاریخ جامعه ایران، علاوه بر اثبات چند وجهی بودن کارکرد زیارتگاه‌ها، حاکی از اهمیت زیارتگاه‌ها در فعالیت‌های جامعه نیز است. در مقاطعی جایگاه و اهمیت زیارتگاه‌ها در ایران، علاوه بر آنکه نمادی از رویکرد حکومت و صاحبان قدرت، در پذیرش و یا رد مذهبی شناخته می‌شده، مکان‌هایی برای مقاومت، مبارزه و محلی برای تحصن و تجمع اعتراضی بر علیه تصمیمات حاکمان وقت نیز بوده‌اند (سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، واقعه مسجد گوهرشاد؛ طاووسی‌مسرور، ۱۳۹۵). مقوله زیارت و زیارتگاه در عصر حاضر نیز یکی از پویاترین سنت‌های جامعه شیعی ایران است. چنانچه رجوع به زیارتگاه‌ها (خصوصاً زیارتگاه‌های محوری و مهم در مشهد، قم، شیراز، شهرری و...) همچنان پررونق است و در روزهای خاص و مناسبت‌های ملی و مذهبی چون شروع سال جدید شمسی، جشن‌ها و عزاداری‌ها و...، این رجوع پرشمارتر و پرشورتر نیز می‌گردد. در ماه محرم، غالباً زیارتگاه‌ها در نقاط مختلف ایران، به‌عنوان مقصد و محل تجمع دسته‌های عزاداری شناخته می‌شوند. یکی دیگر از آداب و رسومی که هنوز در میان جماعت شیعی ایران جریان دارد، انجام خطبه عقد ازدواج با حضور در زیارتگاه، خصوصاً در بارگاه امام رضا(ع) است. در واقع افراد معتقدند آغاز زندگی در این مکان، به‌واسطه وجود فرد مقدس دفن شده، باعث جلب برکت و رحمت الهی در ادامه زندگی‌شان خواهد بود.

۴-۴. جنسیت در فرهنگ زیارت و زیارتگاه جماعت شیعی

همان‌گونه که گذشت، مجموعه رفتار و کنش‌های شکل گرفته در زیارت و زیارتگاه که دربردارنده تار و پودی از گزاره‌هایی نمادین و الگوهای رفتاری که زائران آن را انجام می‌دهند، در کنار تعاریف و توصیفاتی که از زمینه‌مندی اعتقادی و نگرشی یک مذهب و آیین -در اینجا تشیع- برخاسته است، منجر به شکل‌گیری فرهنگ زیارت می‌شود. فرهنگ زیارتی، که جزئی از آن به تناسب داشتن وجوه مشترک در بین بسیاری از زیارتگاه‌ها مشترک و به مناسبت تفاوت‌هایی در ابعاد و پازل‌های شکل دهنده آن، با یکدیگر متمایز است. یکی از تمایزات فرهنگی و تاریخی، جنسیت در سنت زیارتگاه و زیارت است.

در بُعد جنسیت در امر زیارتگاه می‌توان به دو مؤلفه جنسیتی که یا خود را در فردی که زیارت می‌شود نشان می‌دهد و یا منحصر بودن ورود به زیارتگاه برای زنان و مردان. دربارهٔ مزور، هرچند بیشتر اماکن زیارتی در اسلام و مذهب تشیع مربوط به اولیا و شخصیت‌های اسلامی مرد است، ولی مزارهای برخی زنان مقدس، نظیر سیده‌ها و بی‌بی‌ها، نیز، محل زیارت بوده است (نظیر حضرت زینب(ع) و حضرت معصومه(ع) و سیده رقیه و بی‌بی حکیمه و ...)، (اسحاقی، ۱۳۹۵، ص ۸۴۶). همچنین زیارت برخی از مزارهای منتسب به زنان مقدس، زنانه می‌باشد و مردان اجازهٔ ورود به برخی از این زیارتگاه‌ها را نداشتند و هم اکنون نیز تعدادی از این زیارتگاه‌ها در اقلیم ایران و مناطق دیگر قابل مشاهده است. البته اینگونه نگرش‌ها و رویکردهای عملی، لزوماً با اعتقادات کلامی-الهیاتی مذهب شیعه همخوانی نداشته و اکثراً برخاسته از باورها و سنت‌های برجای ماندهٔ آن سرزمین بوده است. از جمله در استان خراسان جنوبی، که در حال حاضر بیش از ده زیارتگاه که در آن زنانی مقدس دفن شده‌اند وجود دارد، که در برخی از اینها، مردان اجازه حضور را ندارند (سایت اطلاع‌رسانی دانا، آشنایی با زیارتگاه‌های زنانه خراسان جنوبی). همچنین در نمونه‌ای دیگر می‌توان به (بقعه بی‌بی دوست) در اطراف زابل اشاره کرد (سایت خبرگزاری فارس، ورود آقایان به این زیارتگاه ممنوع). در دو زیارتگاه (بی‌بی دختر و بی‌بی حیات) که در استان کرمان واقع هستند، باوری وجود دارد که اگر مردی غیر از سادات وارد حرم شود، به بلایی از جمله کوری و کری و خون

دماغ و ... دچار می‌شود. حتی نذوراتی که برای این دو بقعه می‌شود، اغلب وسایل زنانه از قبیل چادر نماز، روسری، سرمه‌دان، انگشتری، گردنبند و زیورآلات زنانه و پاره‌ای مصنوعات کار دست است که بر در و دیوار حرم می‌آویزند (سایت خبرگزاری ایسنا، آشنایی با زیارتگاه‌های زنانه کرمان) و... از سوی دیگر، زیارت زنان از برخی زیارتگاه‌ها، مانند بیشتر درگاه‌های هند، ممنوعیت یا محدودیت‌هایی داشته است (اسحاقی، همان).

در بُعد جنسیت در امر زیارت، به معنای چگونگی به جا آوردن زیارت توسط زنان، که تمامی مراحل از چگونگی آغاز و طی کردن مسیر برای رسیدن به زیارتگاه و انجام اعمال و آداب زیارت توسط زنان زائر (به‌عنوان جنسیتی با محدودیت‌های خاص) را شامل می‌شود. از گذشته‌های دور و با گسترش جغرافیای اسلام و ایجاد فواصل زیاد با مراکز مذهبی و زیارتی، ایجاد کاروان‌های زیارتی به‌عنوان ابزاری مناسب، جهت طی کردن مسافت‌ها، همراه کردن وسایل ضروری و تأمین امنیت لازم برای رسیدن به مقصد، مورد استفاده قرار می‌گرفته است. زنان، به دلیل سختی‌های بی‌شماری چون، نبود امکانات مناسب و بهداشتی، تهدیدات طبیعی در مسیر و از همه مهم‌تر نبود امنیت لازم، کمتر با این کاروان‌ها همراه می‌شدند. به دلیل به درازا کشیدن این سفرها و رویدادهای متعدد روی داده در آن، برخی مسافران و سیاحان خارجی، گزارشات و سفرنامه‌هایی را در قرون مختلف در باب وقایع رخ داده در مسیر و آداب و رسوم زیارت به نگارش درآورده‌اند. از جمله می‌توان به سفرنامه‌های سکینه سلطان (وقارالدوله)، شاهزاده خانم قاجاری و عالیه خانم شیرازی اشاره کرد که در کتاب‌های (خانم! فردا کوچ است)، (سه روز به آخر دریا) و (چادر کردیم رفتیم تماشا)، بازنویسی، چاپ و در دسترس عموم قرار داده شده است. با خواندن این سفرنامه‌های زنانه‌نویس، اطلاعات با ارزشی از فرهنگ زیارت زنانه در آن زمان بدست می‌آید. به‌عنوان مثال، راهکارهایی که برخی زنان برای رفتن به زیارت (مخصوصاً حج و کربلا)، انتخاب می‌کردند، در نوع خود کم‌نظیر بوده و نشانی از اهمیت فوق‌العاده این سفرها برای زنان را نمایش می‌دهد. از جمله به صیغهٔ چاروادارها درآمدن برای زنانی که ثروت و همسر و محرمی برای همراهی نداشت و یا حاضر به هوو دار شدن خود برای گرفتن رضایت از همسر می‌شدند و ... همچنین در این نوشته‌ها، با توصیف رویدادهای مسیر، چگونگی مواجههٔ زنان با موانع مختلف پیش رو تا رسیدن به

مقصد نشان داده می‌شود. در انتها نیز، نوع آداب و اعمالی که این زنان در شیوه انجام زیارت داشتند را بیان و شرح می‌دهند. به هر تقدیر، کاروان‌های زیارتی زنانه با الگوهای رفتاری متفاوت، تا به امروز ادامه داشته و با گسترش و تنوع بیشتری، برقرار است.

۴-۵. باور همیشگی به حی بودن مَزور (فرد زیارت‌شونده) و در عین حال

جنسیت‌زدایی از وی برای زن زائر در فرهنگ زیارت شیعی

زیارتگاهی که محل دفن یک زن مقدس باشد به نسبت زیارتگاهی که محل زیارت مردی که وجه قدسی داشته باشد، تعداد کمی را شامل می‌شود. در این بین به‌ندرت زیارتگاهی یافت می‌شود که فقط پذیرای زائرانی با یک جنسیت باشند. پس در این میان دسته بزرگی از بارگاه‌ها را داریم که محل دفن یک مرد است و زائران آن نیز بدون محدودیت، هر نوع جنسیت را شامل می‌شود. در بیشتر ادیان و مخصوصاً در اسلام، درباره نوع مواجهه و شیوه ارتباطی که بین دو جنس باید برقرار باشد، آداب و احکام مخصوص وجود دارد. احکامی که جزئی قابل توجه از دستورات دین هستند را دربرمی‌گیرد. رعایت این آداب، امری مهم در دین اسلام است. امری که رفتار و کنش‌های بین زن و مرد را با خطوط امور مجاز (حلال) و غیرمجاز (حرام) مشخص می‌کند. این بدان معناست که اگر افراد به این آداب و هنجارها پایبند نباشند، گناه انجام داده و از دایره اوامر الهی تخطی کرده‌اند و در نتیجه مستوجب عذاب و عقوبت خواهند شد. احکام و دستورالعمل‌هایی که می‌توان در زیرمجموعه مفاهیم محرم و نامحرم، پوشش و حجاب، ازدواج و... آن‌ها را یافت. اسلام، در این مباحث، با دسته‌بندی گروه‌های انسانی جنس مخالف که یک زن و یا مرد در زندگی ممکن است در معرض ارتباط با ایشان قرار گیرد، به حد پوشش لباس و همچنین اندازه مجاز داشتن هرگونه آرایش و میزان نمایان بودن بدن در مقابل آن‌ها اشاره می‌کند. در کنار این موارد، ارتباط جسمی و کیفیت صحبت و گفت‌وگو با هر کدام از گروه‌های انسانی جنس مخالف نیز، متفاوت خواهد بود. این گروه‌های انسانی در اسلام در چند دسته قرار می‌گیرند. طبق آموزه‌های اسلام، انسان‌های جنس مخالف، برای هر فردی در دو گروه محرم و نامحرم دسته‌بندی می‌شوند. گروه محرم، شامل انسان‌هایی می‌شوند که فرد با ایشان یا ارتباط

نسبی و خانوادگی و یا ارتباط سببی دارد (معرفی و آشنا شدن مفصل با این گروه‌ها در این نوشته نمی‌گنجد و علاقه‌مندان می‌توانند آن را در مکتوبات احکامی دین جستجو کنند). در زیرمجموعهٔ محرمیت، افراد حق ازدواج با یکدیگر را ندارند. زن می‌تواند مو، دست‌ها و پاهای خود را مقابل مردان محرم نبوشاند. زن و مرد محرم می‌توانند دست یکدیگر را گرفته، همدیگر را به آغوش بگیرند و مواردی از این دست. البته همهٔ این جوازا منوط به عدم وجود هرگونه مفسدهٔ جنسی در ارتباط بین زن و مرد است. همچنین، تدفین فرد باید توسط شخصی از محارم صورت گیرد. تمام این قواعد برای امامان، پیشوایان، امامزادگان، اولیا، علما، مبلغان دین (چه زن و چه مرد) و ... نیز برقرار است. بدین معنا که هم خود ایشان از این قواعد باید پیروی کنند و هم بین ایشان و زنان و مردان دیگر، این دستورالعمل‌ها برقرار است. پس در مواقعی که این افراد زنده‌اند و زن و مردی در محضرشان حاضر می‌شوند، رفتار و کنش‌های این زن و مرد با ایشان، حتماً باید در چارچوب آداب و احکام بیان شده قرار گیرد. نکته قابل توجه این است که در ارتباط زنان و مردان با افراد مقدس بعد از مرگشان و در زیارت، تمامی این قواعد و احکام بین زن و مرد به حالت تعلیق درآمده است. این در حالی است که اعتقاد زائران به شهود کامل توسط فرد زیارت‌شونده در زیارتگاه و آگاهی مَزور به تمامی احوالات شخصی زائر، می‌باشد. حتی زائران برای معرفی فرد زیارت‌شونده از تعبیری چون ایشان حی هستند و همه ما را می‌بینند، استفاده می‌کنند. بر همین اساس، برخی از زائران در هنگام ورود به حیاط و یا در مقابل ضریح، دست خود را بر سینه گذاشته و تعظیم کرده و در هنگام خروج نیز، به سمت محل ضریح بازگشته و با تعظیم از حرم خارج می‌شوند. گویی به ساحت فردی زنده وارد و از درگاه وی خارج می‌شوند. محبوبه، خانمی میانسال، با سواد دوره راهنمایی و حدود ۶۰ ساله در جواب این پرسش که فکر می‌کنید حضرت عبدالعظیم (ع) صدایتان را می‌شنود؟ می‌گوید:

«آره دخترم. شک ندارم. اینا زندن. هر کی بیاد زیارتشون می‌فهمن. همه

حرفهای ما رو می‌شنون. اصلاً میدونن چی تو دل ما میگذره... اینا همه چیز

همه زائرا رو می‌بینن....»

خانمی حدود ۳۰ ساله که تحصیلات دینی داشت در جواب این سؤال که واقعاً

حضرت عبدالعظیم(ع) و بقیه مَزورها که زیارتگاهشان در اینجا قرار دارد، چگونه حرف همه این زائرها رو می شنوند و می فهمند؟ چند ثانیه نگاهم کرد و بعد از تأمل، جواب داد:

«ببین. ما تو زیارتنامه اینها می خونیم که اینا همه جا و همیشه شاهد ما و اعمال ما

هستن. میدونن ما چه کار داریم می کنیم. خب، اینجا به خاطر داشتن قدرت

الهی، میتونن حرف همه این زائرها رو هر روز بشنون و حضور تک تک زائرها

رو ببینن و متوجه بشن. یعنی این یه قدرت الهیه اصلاً، خدا برای اینا خواسته که

اینجور باشن...»

در واقع در جهان قدسی شکل گرفته در زیارتگاه، وجوه مختلف ویژگی های جهان خودی با جهان دیگری، به گونه ای چیدمان شده اند که همراه با باور به مرگ و خروج فیزیکی افراد قدسی از این دنیا، راه اتصالی از ایشان با این دنیا وجود داشته باشد. با این تبیین که از منظر مؤمنان، این افراد در این دنیا نیستند و مناسبات معمول در این دنیا نیز برای ایشان صدق نمی کند، بلکه حضور و شهودی از نوع جهان نادیده قدسی وجود دارد که بر ایشان حاکم است و علم و آگاهی بسیار وسیع و عمیق از جنس علم به غیب و معنوی در این افراد مقدس وجود دارد. تمامی این ویژگی های منحصر به فرد، به خواست و اراده الهی به ایشان تفویض شده و به همین دلیل، نمی توان به فهمی خیلی دقیق از مکانیزم آگاهی و شعور موجود در زیارت شونده پی برد. در اینجا است که شهود فرد قدسی، شامل مختصات احساسی و ادراکی جسمی این دنیایی نمی شود. از سوی دیگر، فهم زائران از مرد مقدس دفن شده در زیارتگاه، به مثابه یک مرد با ویژگی های جسمی این دنیایی نیست. مردی که علاوه بر جسم و اندام نداشتن، از ویژگی های روحی و روانی غریزه جنسی این دنیایی نیز تهی بوده و چیزی که بر وی حاکم و توسط زائر ادراک می شود، مرام و مسلک مردانگی اخلاقی است. در واقع از مزور قدسی در نزد زن زائر، به نوعی، جنسیت زدایی صورت می گیرد. بر همین مبنا، فاصله و موانعی که در گفت و گویی صمیمی تر، بیان صریح تر از هرگونه احوالات درونی و بسیار شخصی و انجام رفتار و کنش هایی بی پروا تر که در ارتباط زن زائر با مردان نامحرم و حتی محرم در مناسبات این دنیایی وجود دارد، در زیارتگاه دیده نمی شود. از نهمه، ۳۲ ساله، متأهل و کارشناسی ارشد زبان انگلیسی پرسیدم، حسش نسبت به حضرت عبدالعظیم(ع) که یک

مرد هستند چیست؟ احساس نامحرمی با ایشان ندارد؟ در جواب گفت:

«خب، نه. من اینا رو مؤمن می‌دونم و کنارشون احساس امنیت می‌کنم. من که وقتی دارم باهاشون صحبت می‌کنم، هر چی بخام و حرف‌هایی که به کسی ام نمی‌تونم بگم رو بهشون می‌گم. اینا حرف‌های ما رو می‌شنون. ولی دیگه مثل مردهای دیگه که تو دنیان که نمی‌شن...».

این مطلب را از شنیدن سخنان صمیمی که زائران در حرم بر لب جاری می‌کنند نیز می‌توان به خوبی برداشت کرد. (تعبیری چون عزیزم، همه کسم، مهربانم و...) و همچنین برداشتن حجاب و پوشش سر و بدن در جاهایی از زیارتگاه که مردی وارد نمی‌شود و... شاخصه‌هایی از جنسیت زدایی مزور در عین حی‌پنداشتن وی در تجربه حیات قدسی بر ساخت شده در زیارتگاه دانست.

۴-۶. تجربه حیات دینی با رعایت پوشیدگی بیشتر بدن زنان در فضای قدسی

زیارتگاه در فرهنگ شیعی

یکی از قوانین اسلام برای زنان، واجب بودن پوشاندن موهای سر و تمام بدن، بدون نمایان شدن برجستگی‌های بدن است. به قدری در عصر حاضر این امر عام و فراگیر شده که تقریباً در هر جایی از دنیا، داشتن پوشش سر و حجاب بدن (با مدل‌های مختلف)، نشانه‌ای از مسلمان بودن آن زن تلقی می‌شود. البته از سوی دیگر، این امر حتمی نیست. یعنی زنی که خود را مسلمان می‌داند، ممکن است لزوماً این پوشیدگی سر و بدن را رعایت نکرده و یا یک نوع حجاب و پوشش را در همه جا انتخاب نکند، چرا که قائل به کافی بودن میزان حجاب و پوشش خود در مکان‌های مختلف است. جالب آنکه، در طی مصاحبه و مشاهده زنان زائری که دارای نگرش‌های متفاوت به حجاب‌اند، نکته‌ای تقریباً مشترک وجود داشت که طی آن پوشش کامل بدن، چادر به سر کردن و نداشتن آرایش بر صورت در فضای زیارتگاه، امری مناسب و لازم دانسته می‌شد. سمیه، متأهل، ۲۵ ساله:

«به نظر من باید در زیارتگاه چادر سر کرد، بالاخره اینجا زیارتگاهه، باید توش

یه چیزایی بیشتر رعایت بشه، من که بعضی جاها چادر سر می‌کنم و بعضی جاها

نه، ولی برای زیارتگاه اومدن می‌گم باید چادر داشت...»

زهره، ۲۷ ساله، تازه ازدواج کرده و به همراه همسر برای زیارت آمده بود. چادری رنگی و مهردار بر سر دارد که نمایانگر آن است که از درب ورودی آن را بر سر کرده است. از وی می‌پرسم، به نظر شما زنان باید در زیارتگاه چادر به سر داشته باشند؟ در جواب می‌گوید:

«خب، ببین من ماتنویسم. ولی اینجا چادر سرمی‌کنم. زیارتگاه با جاهای دیگه

فرق داره. اینجا اومدی که زیارت کنی. دعا کنی. فضا، فضای معنویه. اینجا

باید بیشتر رعایت بشه...».

پاسخی نسبتاً مشابه از افراد دیگر نیز شنیده می‌شود. افرادی که مشخص بود، چادر و حجابی که در زیارتگاه دارند، همیشگی نیست و عادت به سر کردن آن را نداشته و یا حتی روسری‌های جلوتر آمده و موهای پوشیده‌ترشان، برای حضور در این مکان است. گویی، افراد با عبور از درب‌های زیارتگاه وارد جهانی دیگر با مکانیزم‌ها و ساختارهای هنجاری مجزا می‌شوند. این امر را در خلال شناخت‌های متفاوتی که در طی فرایندهایی از مجموعه‌های مختلف تولید آگاهی برای انسان‌ها شکل می‌گیرد، بهتر می‌توان فهمید. حوزه‌های مختلف که انسان از ابتدای مواجهه با مجموعه‌ها و نهادهای متعدد اجتماعی، در حال دریافت‌های متفاوت آگاهی از آن‌ها است. به طور مثال، فرد از خانواده و بازخورد الگوهای رفتاری و کنشی شکل گرفته از آن، نوعی از هنجارها را دریافت و ضبط می‌کند و در عین حال با ورود به محیط آموزشی و شبکه‌ی دوستان نوعی دیگر و در ادامه و در مواجهه با دنیای اجتماعی بزرگتر که می‌تواند، رویه‌های فرهنگی و قوانین حاکم بر شهر و کشوری که در آن زندگی می‌کند باشد، حوزه‌های شکل‌گیری آگاهی نیز گسترده‌تر می‌شود. با اینکه آگاهی، پدیده‌ای مربوط به تجربه‌ی ذهنی است، اما به دلیل آنکه در عناصر به طور اجتماعی معنادار، خود دائماً با دیگران شریک می‌شود، می‌توان آن را به‌طور عینی توصیف کرد (برگر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۸). همچنین فرد برای معنا بخشی به زندگی، به طور کلی به تعاریف فراگیر واقعیت نیاز دارد. این تعاریف جامع برای حفظ یکپارچگی جامعه و برای تداوم هر موقعیت اجتماعی خاص ضروری‌اند. آن‌ها با هم، جهان نمادین فرد یا جامعه را می‌سازند (همان، ص ۴۰). با این توضیحات، رسیدن به منطق چرایی پررنگ شدن تبعیت از آداب دینی شخصی و جمعی در فضاهای قدسی هموارتر

می‌شود. بر همین اساس، فرد با ورود به زیارتگاه، نه تنها وارد فضای جغرافیای مجزایی شده است، بلکه وارد جزیره شناخت از مکان مقدس، در ذهن خود نیز می‌شود. شناختی که به او می‌گوید در تنفس و زندگی در فضای قدسی، باید از قوانین و احکام دینی به صورت تام و غلظت بیشتری باید پیروی کرد. البته میزان این غلظت به تناسب شناخت ذهنی افراد، در مرحله فعل و عمل عینی، متفاوت خواهد بود. فعل و عمل عینی که به صورت مصداقی برای زنان زائر در میزان پذیرش پوشش و حجاب بیشتر و نداشتن آرایش در زیارتگاه نمایان می‌شود. از سویی دیگر، تصور بر این است که در این فضا، هر چقدر از تجملات و پوشش‌هایی که بیشتر جذابیت‌های اندامی بدن را به نمایش می‌گذارد، فاصله گرفته شود، تمرکز و توجه به امر قدسی بیشتر خواهد شد. پس برای رسیدن به تجربه حیات دینی عمیق‌تر در خود و بقیه زائران، پوشیدگی بیشتر بدن، امری مطلوب و لازم است.

نتیجه‌گیری

زیارتگاه‌ها، با تجمع مجموعه‌ای از افراد که به نوعی دارای مشترکات اعتقادی و مناسکی هستند، از مهم‌ترین مکان‌هایی است که با هم‌افزایی قابل توجهی از نیروهای فردی، یک هویت جمعی قدرتمند دینی را باز تولید و تداوم می‌بخشند. زن و مرد بودن برای تشیع، تمایزی در داشتن وجه قدسی ایجاد نمی‌کند. چنانچه زنان مقدس در طول تاریخ اسلام، مورد توجه قرار گرفته و در پی زیارت از قبور ایشان، صاحب بارگاه‌هایی شدند. از سویی دیگر زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه، اغلب نیمی از زائران زیارتگاه‌ها را تشکیل می‌دادند. در عین حال بودند زیارتگاه‌هایی که بنابر آموزه‌های عرف و فرهنگی خاص در یک قوم، یا مجوز ورود زائران زن را نداشتن و یا زیارتگاه در انحصار زیارت زنان بود. حی‌پنداشتن و جنسیت‌زدایی از مزور و لزوم پوشیدگی بیشتر بدن زن در زیارت را می‌توان از شاخصه‌های همیشگی در فرهنگ زیارت شیعی ذکر کرد. در این میان مؤلفه‌های متعددی نیز وجود داشت که چگونگی زیارت برای زنان، با آن‌ها گره خورده بود. مؤلفه‌هایی چون ساختار و عملکرد بیولوژیکی بدن زن، فهمی که از هویت و شأن زنانگی در جوامع مختلف غالب بود، انتظاراتی که از نقش‌های مختلف زن در عرف و سنت آن

قوم وجود داشت، دوری و نزدیکی زیارتگاه، وجود وسایل حمل و نقل لازم برای طی کردن مسیر سفر به زیارتگاه، امنیت و ... هرچند از میزان تأثیرگذاری این عوامل در زمانه حاضر کاسته شده و یا حتی از میان رفته‌اند، اما مؤلفه‌هایی جدید، به فراخور شرایط زمانه جایگزین آن‌ها شده‌اند. این مؤلفه‌ها در زمانه ما، موارد متعددی را شامل می‌شود. تغییر شیوه زندگی به سوی استفاده از ابزارآلات مدرن و با تکنولوژی پیشرفته در زندگی روزانه، یکی از این موارد است. استفاده از این وسایل به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، تغییرات عمده‌ای را در سبک زندگی امروزی بشر گذاشته است. همچنین کشورها در دنیای کنونی، ناچار به انواع مبادلات علمی، سیاسی، اقتصادی و ... با کشورهای دیگر هستند. در این مبادلات است که پیوست‌های نانوشته فرهنگی مرتبط نیز به طور طبیعی منتقل خواهند شد. این شرایط هم محملی برای انتقال مفاهیم خودی و هم مدخلی برای ورود آداب دیگری است. لذا عصر حاضر، شرایط را برای گزینش اطلاعات و انتخاب آگاهی‌های متعدد برای افراد ایجاد کرده است. امری که برگر از آن به عنوان کثرت‌گرایی جهان‌های زندگی یاد می‌کند. کثرت‌گرایی که در عرصه جهان دینی نیز پیامدهای قابل توجهی را به بار آورده است. وی مطلب را اینچنین تبیین می‌کند که جوامع سنتی یکپارچه بودند. در عوض، انسان مدرن با جهان‌های زندگی متکثری روبروست که اغلب با هم سازگار نیستند. زندگی مدرن تا اندازه بسیار زیاد بخش‌بخش یا تکه‌تکه است. این تکه‌تکه بودن را نه تنها در تراز فرهنگی-اجتماعی شاهدیم، بلکه در سپهر آگاهی فرد هم به چشم می‌خورد (نیزگاما، ۸۲، ۱۳۹۸). یکی از نتایج این آگاهی مدرن، تغییر نگرش به جایگاه و انتظاراتی که از نقش زن انتظار می‌رود، است. البته تعریف هویت زنانه در عصر مدرن، هنوز در هاله‌ای از ابهام و با رویکردهای گوناگون محل بحث و نزاع‌های فراوانی است. نتیجه آنکه، برداشت‌ها از هویت زنانه برای زنان جامعه شیعی ایران نیز، در میان اقشار مختلف، با تزلزل و تمایزاتی کثرت‌گرا مواجه است. باورها و مناسک مذهبی زنان هم از تأثیرات این کثرت‌گرایی بی‌نصیب نخواهد بود. در این میان، مذهب تشیع نیز خود را یک آیین دست و پا بسته و منفعل در مقابل اقتضائات زمانه نمی‌داند. مذهبی که مدعی است برای تمامی اقتضائات پیش‌آمده، امکان پاسخگویی و ارائه برنامه‌های عملی لازم را دارد. در واقع فرهنگ زیارت زنانه شیعی در عصر حاضر، در بین تمایل به عرفی شدن و یا

دریافت رنگ و بویی بادوام‌تر و عمیق‌تر از اوامر و احکام فقهی و دینی، در ابعاد مختلف چیستی، چرایی و چگونگی انجام زیارت، در کش و قوس است و نمی‌توان الگویی تام و کامل از آن بیان و ترسیم کرد. همین مطلب، دالی بر این می‌شود که زنان زائر را در کنار نگرش‌های مشترک، به گروه‌هایی با نگرش‌های متمایز به چگونگی مواجهه با امر زیارت، مدبل کند. البته نباید از یاد برد که مؤلفه‌های اثرگذار در چگونگی شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های زنان زائر در یک زیارتگاه می‌تواند ابعاد متنوع دیگری (همچون ابعاد پیشینی و زمینه‌ساز، ابعاد همزمانی با امر زیارت، ابعاد پسینی و بعد از انجام زیارت) برای فرد داشته باشد. لذا پژوهش‌های متعدد و متنوع‌تری پیرامون این مباحث، بستری در جهت روشن‌تر شدن لایه‌های متنوع (جامعه‌شناختی / انسان‌شناسی) جایگاه زیارت و زیاتگاه در سپهر فرهنگ شیعی خواهد بود.

فهرست منابع

۱. اسپرذلی جیمزپ و مک کوردی دیوید و دیگران (۱۳۸۶)، پژوهش فرهنگی (مردم‌نگاری در جوامع پیچیده)، ترجمه: بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اسحاقی پیمان و دیگران (۱۳۹۵). مقاله زیارت در: دانشنامه جهان اسلام، به کوشش بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
۳. اسحاقی، پیمان. (۱۳۹۵). مقاله زیارت در: فرهنگ سوگ شیعی، به کوشش و سرویراستاری: محسن حسام مظاهری، تهران: خیمه.
۴. اصغری‌نژاد، محمد. (۱۳۹۴). زیارت قبور و سفرهای زیارتی از نگاه اهل سنت، نشریه سراج منیر، شماره ۱۶، منتشر شده در پایگاه تخصصی وهابیت پژوهی و جریان‌های سلفی، ص ۱۳۱-۱۵۰.
۵. انگروزینو، مایکل. (۱۳۹۶). درآمدی بر مردم‌نگاری. ترجمه جبار رحمانی و محمدرسولی. تهران: فرهنگ.
۶. برگر، پیترو. (۱۳۹۷). سایبان مقدس: ترجمه: ابوالفضل مرشدی، تهران: ثالث.
۷. برگر، پیترو؛ بریجت، برگر؛ هانسفرید، کلنر. (۱۳۹۴)، ذهن بی‌خانمان؛ نوسازی و آگاهی، ترجمه: محمد ساوجی، تهران: نی.
۸. بهرام‌پور، شعبانعلی. (۱۳۸۷). مردم‌نگاری و کاربرد آن در ارتباطات. فصلنامه رسانه، ۱۹ (۱)، ص ۵۷-۷۸.
۹. صالحی‌زاده، زهرا. (۱۳۹۸). خانم! فردا کوچ است (سفرنامه سکینه سلطان). بازنویسی، تهران: اطراف.

۱۰. ریتزر، جرج. (۱۳۹۵). مقاله زیارت در: دانشنامه جهانی شدن، سرپرستان ترجمه نورالله مرادی و محبوبه مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۱. رحمانی، جبار. (۱۳۹۱)، مناسک و آیین‌های شیعی در هند، تهران: خیمه.
۱۲. رحمانی، جبار. (۱۳۹۳). انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم (تغییرات مناسک عزاداری محرم). تهران: تیسرا.
۱۳. رحمانی، جبار. (۱۳۹۷). مقاله جامعه شیعی به مثابه جامعه‌ای در فراق در: مجموعه مقالات تأملات جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین، به کوشش: محسن حسام مظاهری. اصفهان: آرما.
۱۴. شاردن، ژان. (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
۱۵. طاووسی مسرور، سعید. (۱۳۹۵). مقاله کربلا در: فرهنگ سوگ شیعی. به کوشش و سرویراستاری: محسن حسام مظاهری. تهران: خیمه.
۱۶. عرب‌تیموری، عبدالطیف. (۱۳۹۵). زیارت از دیدگاه اهل تسنن، فصلنامه علمی تخصصی جبل‌المتین، ۵(۱۶)، ص ۱۲۶-۱۳۸.
۱۷. عربخانی، رسول. (۱۳۹۷). زیارت عراق (پدیده‌ای فرهنگی با ابعاد سیاسی، برشی از مناسبات سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار)، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۱۶(۶۳)، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۱۸. غیاثی، هادی. (۱۳۹۷). ابعاد تمدنی نهاد زیارت در فرهنگ شیعی. پژوهشنامه حج و زیارت، ۳(۶)، ص ۱۳۷-۱۶۸.
۱۹. قبادی، علیرضا؛ سعیدی، کمال؛ سعیدی، مژگان. (۱۳۹۴). تفسیر اجتماعی فرهنگی امر زیارت در امامزاده‌های شهر تهران، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۲۰. قربی، سید محمدجواد؛ رفیع، حسین. (۱۳۸۸). عالمان دین در آوردگاه مشروطه. مجله زمانه، شماره ۸۶ و ۸۷، ص ۱۸-۲۶.
۲۱. کرمی‌پور، الله‌کرم. (۱۳۸۸ش). پیربرگر و جامعه‌شناسی دین. مجله هفت آسمان، ۱۱(۴۲)، ص ۱۴۳-۱۶۲.
۲۲. مرتضوی امامی زواره، سید علی؛ یوسفی، بتول. (۱۴۰۰ش). تأثیر شیوع ویروس کرونا و بسته شدن حرم رضوی بر نگرش اجتماعی مردم به زیارت (مورد مطالعه: نمازگزاران مساجد شهرستان زواره)، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۷(۱)، پیاپی (۱۲۳)، ص ۱۳۵-۱۶۴.
۲۳. متقی نیک، روح‌الله؛ زارعی، نفیسه. (۱۳۹۶). درنگی در جایگاه امامزادگان و تأثیر آن در توسعه فرهنگ زیارت، مجله احسن‌الحديث، شماره ۳، ص ۶۶-۸۶.
۲۴. مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). مقاله دیباچه کتاب سایبان مقدس اثر پیربرگر. مترجم: ابوالفضل مرشدی، ص ۷-۲۸.

۲۵. محدثی، جواد. (۱۳۹۰). فرهنگ‌نامه زیارت، تهران: مشعر.
۲۶. نیزیگاما، ایزاک. (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین پیتر برگر، ترجمه: علیرضا خدامی، تهران: نقد فرهنگ.
۲۷. سایت اطلاع‌رسانی دانا، آشنایی با زیارتگاه‌های زنانه خراسان جنوبی، بی‌تا، بازدید: ۱۰.۵.۹۹، www.dana.ir.
۲۸. سایت خبرگزاری ایسنا، آشنایی با زیارتگاه‌های زنانه کرمان، ۶ اسفند ۱۳۹۲، بازدید: ۱۰.۵.۹۹، www.isna.ir.
۲۹. سایت خبرگزاری فارس، ورود آقایان به این زیارتگاه ممنوع، ۱۹ اسفند ۱۳۹۶، بازدید: ۱۰.۵.۹۹، www.farsnews.ir.
۳۰. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی. واقعه مسجد گوهرشاد. www.irdc.ir.